



تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات بیت المقدس

سردار محمد ابوشهاب و تیم همراه

تنظیم: سیدمحمد طباطبایی*

چکیده	<p>سردار محمد ابوشهاب که در دوران جنگ تحمیلی سابقه جانشینی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و همچنین معاونت عملیات این لشکر را داشته است، به همراه برخی دیگر از همزمان شهید حسین خرازی، در دوره دوم انتقال تجربیات فرماندهان در هشت سال دفاع مقدس که در اردیبهشت ۱۳۹۵ در خوزستان برگزار شد، درباره عملکرد تیپ امام حسین (ع) در عملیات بیت المقدس، به بیان تجربیات خود در جمع دانشجویان دافوس پرداخت. همراهان سردار ابوشهاب که در این دوره به بیان تجربیات فرماندهی خود پرداختند، عبارت بودند از: آقایان موسوی (از بچه های اطلاعات تیپ)، سید حبیب اعتصامی (مسئول توپخانه تیپ) و دکتر کشفی (مسئول بهداری تیپ). مهم ترین محورهایی که تیم فرماندهی تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در این دوره انتقال تجارب فرماندهان مطرح کردند شامل این موارد بود؛ طرح مانور عملیات بیت المقدس، شرح مراحل عملیات، مراحل شناسایی خطوط دشمن در قبل و بعد از عملیات، عملکرد توپخانه لشکر در عملیات، عملکرد بهداری لشکر در مراحل مختلف عملیات و رمز موفقیت آن و همچنین درس هایی از سبک و منش فرماندهی حاج حسین خرازی در صحنه نبرد. واژگان کلیدی: محمد ابوشهاب، انتقال تجارب، تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، بیت المقدس، دانشگاه امام حسین (ع).</p>

سردار ابوشهاب در موقعیت اردوگاه میثاق با شهدا در آبادان ضمن قدردانی از تشکیل قرارگاه انتقال تجارب فرماندهان دفاع مقدس، گفت: «این اقدام درواقع فرصتی را به وجود آورده است که تجربیات دوران جنگ تحمیلی مرور و به فرماندهان آینده سپاه منتقل شود.» وی در ابتدای سخنان خود با طرح سؤالاتی، ذهن مخاطبان را متوجه ماهیت این دوره کرد و افزود: «در اینجا که قرار است انتقال تجارب جنگ به نسل جدید صورت بگیرد، باید به چه موضوعاتی پرداخته شود؛ لشکر ۱۴ امام حسین (ع) چگونه خط شکنی می کرد؛ تلاش اصلی در عملیات چه بود و برای تأمین آن چه اقداماتی توسط فرماندهان تدبیر می شد؛ طرح مانور عملیات چگونه تهیه و ابلاغ می شد؟ بهر حال پاسخ به این سؤالات اساسی، کار اصلی انتقال تجارب فرماندهان است.»

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

بیت المقدس؛ پیروزی بزرگ

راست و تیپ ۸ نجف هم در سمت چپ آن قرار داشتند. مأموریت ما به همراه دو یگان جانبی این بود که در مرحله اول عملیات، با عبور دادن نیروها از رودخانه کارون در محدوده بین سلمانیه تا دارخوین، در شب اول و قبل از روشنایی روز به جاده اهواز - خرمشهر برسیم. ابتکار عمل و تلاش اصلی این بود که بتوانیم با عبور از کارون یک سرپل بزرگ را تصرف کنیم که این اتفاق بحمدالله افتاد.

در این عملیات توپخانه ما خیلی قوی عمل کرد. چند قبضه توپ و چند دستگاه تانک از غنایم ما در عملیات فتح المبین بود. زرهی و توپخانه ما در این عملیات خوش درخشید.»

شرح عملیات

سردار ابوشهاب کلیات مراحل مختلف عملیات بیت المقدس را در ۴ مرحله به شرح زیر برای دانشجویان حاضر بیان کرد:

«در مرحله اول عملیات که قرار بود شب اول سرپل بزرگ را تا جاده اهواز - خرمشهر تثبیت کنیم، ۵ روز طول کشید تا توانستیم با عبور از کارون خود را به جاده آسفالت برسانیم. تثبیت سرپل با آن وسعت، کار آسانی نبود. بین ۲۲ تا ۲۷ کیلومتر مسافت را طی کردیم و پس از دفع پاتک های سنگین دشمن توانستیم بالاخره سرپل را بگیریم. معطلی ما در این مرحله به خاطر این بود که باید منتظر می ماندیم تا بقیه یگان ها هم برسند. سرانجام با الحاق آنها به طرف مرز حرکت کردیم. در مرحله دوم عملیات (روز ششم)، با دستور قرارگاه به سمت دژ مرزی راه افتادیم و توانستیم در عمق ۵۰ متری در مرز پدافند داشته باشیم. در مرحله سوم عملیات از دژ

سردار محمد ابوشهاب، عملیات بیت المقدس را یکی از بزرگترین عملیات های دوران جنگ تحمیلی برشمرد و اظهار کرد:

«عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۶۱ با رمز "یاعلی بن ابی طالب (ع)" آغاز شد. این عملیات مانور ایمان رزمندگان اسلام بود. درسی که در عملیات بیت المقدس فراگرفتیم این بود که نباید مغرور شویم و به داشته های نظامی و تسلیحاتی خود ببالیم. در دوران جنگ تحمیلی، ما با جهان می جنگیدیم و بلوک شرق و غرب پشتیبان صدام بودند، ولی رزمندگان اسلام در مقابل همه آنها ایستادند. می توان گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ پیروزی بزرگی همچون پیروزی در نبرد بیت المقدس مردم و رهبری را این قدر شاد و مسرور نکرده بود. نصر الهی را در این عملیات دیدیم و بعد از اعلام فتح خرمشهر، در همه شهرها و نقاط ایران شادی بود. شب پیروزی بزرگی اتفاق افتاد. با همه این زحمات و تلاش ها و ایثار بی نظیر مردم و رزمندگان، امام فرمودند که خرمشهر را خدا آزاد کرد. خداست که یار و یاور اصلی انقلاب و رزمندگان بوده و هست و بر این مبناست که متذکر می شویم نباید به داشته هایمان مغرور شویم.»

طرح مانور عملیات

سردار ابوشهاب در ادامه با اشاره به چگونگی طراحی عملیات و مأموریت قرارگاه ها در این عملیات گفت:

«در عملیات بیت المقدس ۳ قرارگاه به نام های فتح، نصر و قدس زیر نظر قرارگاه مرکزی کربلا فعالیت داشتند. تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در این عملیات زیرمجموعه قرارگاه فتح بود. تیپ ۲۵ کربلا در سمت



سردار محمد ابوشهباب مسئول عملیات در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) عملیات بیت المقدس، بیمارستان صحرایی امام حسین^(ع)، اردیبهشت ۱۳۹۵.

مرزی به طرف شلمچه و خرمشهر ادامه مسیر دادیم. در این مسیر، ۵، ۶ روز درگیری سختی با عراقی‌ها داشتیم. تداوم اشغال خرمشهر برای عراق خیلی اهمیت داشت. در مرحله چهارم عملیات هم بنا بود که به سمت خرمشهر حرکت کنیم و از سمت شلمچه به کمک سایر یگان‌ها بتوانیم خرمشهر را محاصره کنیم.

عبور رزمندگان اسلام از میادین مین و موانع پیچیده پدافندی دشمن

در دروازه‌های خرمشهر متوجه شدیم که دشمن مین و موانع گسترده‌ای قرار داده است. میله‌گردهایی را به صورت عمودی در زمین قرار داده بودند تا امکان هلی‌برن نیروهای ایرانی فراهم نباشد. حین عملیات وقتی در قرارگاه، عکس‌های هوایی را مشاهده کردیم متوجه شدیم دشمن به عنوان خط پدافندی در اطراف خرمشهر، از مسیر گمرک یک خاکریز دوجداره احداث کرده است. حدود ۸ گردان را توانستیم از این خاکریز عبور دهیم. محاصره خرمشهر واقعاً به صورت یک معجزه اتفاق افتاد. با آن همه موانع پدافندی دشمن، توانستیم به قدرت الهی عبور کنیم. یک اتفاق جالب در همین ساعات محاصره خرمشهر افتاد؛ هلیکوپتر دشمن که برای انتقال مهمات آمده بود، متوجه حضور بچه‌های ما نشد و فکر می‌کرد ما نیروهای عراقی هستیم که بلافاصله بچه‌های ما با آر.پی.جی آن را سرنگون کردند. در این موقع شهید صیاد شیرازی هم باورش نمی‌شد که توانسته باشیم به دروازه‌های خرمشهر برسیم. شهید صیاد با هلیکوپتر تا ۵ کیلومتری خرمشهر آمد و با چشمان خود هجوم نیروهای اسلام را دید. البته در همین زمان، دشمن در محور شلمچه به شدت مقاومت می‌کرد و بچه‌های ما نتوانسته بودند در آن نقطه پیشروی زیادی بکنند.»

شناسایی منطقه

گردان، کار شناسایی هم راحت‌تر در آن طرف رودخانه انجام می‌گرفت.

در عملیات بیت‌المقدس، بچه‌های اطلاعات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در ۲ محور کار شناسایی‌ها را انجام دادند: ۱. منطقه کفیشه (محور سمت راست). ۲. منطقه دارخوین (محور سمت چپ). در هر دو محور یادشده، یک مرحله شناسایی اولیه تا خط اول دشمن صورت گرفت. در این مرحله، تا خاکریز

تعدادی عرب‌زبان داشتیم که به ما در این امر کمک می‌کردند. حسین و علی اسحاقی از بنیان‌گذاران واحد اطلاعات - عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) هستند که خودشان عرب بودند و از افراد عرب‌زبان منطقه به‌خوبی در جهت مأموریت خطیر شناسایی بهره می‌بردند. نیروهای شناسایی ما سابقه این را داشتند که تا عمق خاک عراق نفوذ کنند و برگردند. شهید خرازی فرمانده لشکر بود و خودش قبل از عملیات طریق‌القدس تا جاده اهواز - خرمشهر برای شناسایی رفته بود. در منطقه دارخوین که قرارگاه فتح مأموریت داشت، ۳ تیپ زیرمجموعه آن حضور داشت: تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۸ نجف.

عمق کارون ۷ تا ۸ متر و عرض آن حداکثر ۲۰۰ متر است. از این نقطه تا اولین خاکریز دشمن حدود ۷ کیلومتر مسافت داشتیم. دشمن در حوالی خرمشهر و مارد به‌صورت چسبیده به رودخانه حضور داشت، ولی در این نقاط (دارخوین و...) فاصله دشمن از رودخانه بیشتر بود و به‌صورت پاسگاهی و با فاصله از هم حضور داشت.

شهید خرازی قبل از عملیات بیت‌المقدس، یک گردان را در آن طرف رودخانه در منطقه کفیشه تا فاصله یک کیلومتری، در نخلستان‌های آن طرف کارون مستقر کردند. به ابتکار حاج حسین خرازی، سرپل محور ما به‌خاطر حضور این گردان در قبل از عملیات توسط بچه‌های همین گردان تعیین شده بود. به‌خاطر وجود این

اول دشمن پیش رفتیم و یک میدان مین وسیع به‌صورت بیضی‌شکل به‌دقت شناسایی شد. منظور از میدان مین بیضی‌شکل یعنی اینکه دشمن به‌صورت دایره‌ای در اطراف آن پدافند داشت. در مرحله بعد مأموریت اصلی ما این بود که به محدوده جاده اهواز - خرمشهر برسیم

سردار ابوشهاب:

شهید خرازی فرمانده لشکر بود و خودش قبل از عملیات طریق‌القدس تا جاده اهواز - خرمشهر برای شناسایی رفته بود.

و آنجا را به‌خوبی شناسایی کنیم؛ چراکه قرار بود در مرحله اول عملیات تا این جاده پیشروی کنیم و آنجا سرپل بگیریم. در این مرحله با عبور از میدان مین بیضی‌شکل، برای شناسایی تا عمق منطقه اشغالی یعنی محدوده جاده اهواز - خرمشهر پیش رفتیم. فاصله ما از اینجا تا جاده اهواز - خرمشهر حدود ۲۵ کیلومتر است. در واقع هر چقدر به خرمشهر نزدیک‌تر می‌شدیم این فاصله هم کمتر می‌شد.

مهم ترین اقدامات واحد اطلاعات قبل

سردار موسوی در تشریح حساسیت اقدامات واحد اطلاعات و تأثیر آن بر موفقیت عملیات، اهم فعالیت‌های این واحد را در مقطع پیش از عملیات به این شکل بیان کرد:

«۱. گشت و شناسایی دقیق در خطوط دشمن و جمع‌آوری اطلاعات و اخبار از موقعیت دشمن و بررسی موانع در مواضع پدافندی دشمن. برای دستیابی به این هدف می‌بایست به خاکریز دشمن نزدیک می‌شدیم.

۲. شناسایی معابر مواصلاتی و مشخص کردن مسیر نفوذ و هجوم نیروهای خودی در مواضع دشمن.

۳. توجه کردن فرماندهان گردان‌ها و محورهای تیپ قبل از عملیات. فرماندهان محورها و گردان‌ها در چند نوبت با بچه‌های اطلاعات و شناسایی همراه می‌شدند تا به‌عنوان فرمانده کاملاً با منطقه آشنا شوند.»

وی در ادامه، فعالیت‌های این واحد را حین عملیات مطرح کرد:

«۱. هدایت نیروهای پیاده در شب عملیات به سمت اهداف مشخص شده در مسیرهای شناسایی شده توسط بچه‌های اطلاعات.

۲. تداوم شناسایی در محورهای تصرف شده حین عملیات.

۳. گزارش لحظه‌به‌لحظه از وضعیت خطوط و مواضع دشمن به فرماندهی.»

مراحل عملیات

سردار موسوی در ادامه مباحث خود، درباره مأموریت تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات بیت المقدس که در ۴ مرحله انجام شد توضیحاتی بیان کرد.

مرحله نخست؛ عبور از کارون

«در این مرحله با شناسایی گسترده منطقه، در شب اول عملیات ۶ گردان از تیپ امام حسین (ع) در دو محور کیفیسه و دارخوین توانستند به راحتی از رود کارون عبور کنند و خود را به خط اول دشمن برسانند. خط اول دشمن حدود ۷ کیلومتر از رودخانه فاصله داشت که این خطوط به صورت پاسگاهی استقرار داشتند. در محور سمت راست، دشمن یک کانال ایجاد کرده بود که بنده مأموریت داشتیم نیروهای ۲ تا از گردان‌ها به فرماندهی شهید عباس فنایی و خلیل کاظمی را از این کانال عبور دهیم و برسیم به خط اول دشمن. حین عبور، دشمن متوجه حضور ما در همان لحظات اول شد و درگیری در شب اول شروع شد.

تثبیت سرپل در جاده اهواز - خرمشهر

بعد از این درگیری و فرار دشمن، درحال پیاده روی به سمت جاده آسفالتی بودیم که تانک‌های خودی از ما جلو زدند و شهید عسکری (فرمانده زرهی تیپ) در تماس با شهید خرازی اعلام کرد که ما به جاده رسیده‌ایم. شهید خرازی دستور داد تا بچه‌ها با سرعت بیشتر خود را به نیروهای زرهی برسانند و سرپل را روی جاده اهواز - خرمشهر تثبیت کنند.

بالاخره حدود ساعت ۴ صبح بود که همه نیروهای تیپ به جاده آسفالتی رسیدند. وقتی به جاده رسیدیم با یک خاکریز نسبتاً بلند مواجه شدیم که عراقی‌ها ایجاد کرده بودند. در همین نقطه متوجه شدیم که گونی‌های سنگر در پشت خاکریز توسط عراقی‌ها آماده شده است که ظاهراً قصد احداث یک خاکریز دیگر داشتند، ولی ما با دسترسی به این گونی‌ها توانستیم به لطف الهی در

و میدان مین را در این محور تعبیه کرده است. به هر حال تصمیم فرماندهان عالی جنگ بر این شد که باتوجه به فرصتی که در اختیار داشتیم و تبلیغاتی که در داخل کشور برای فتح خرمشهر شده بود، فلش حمله به سمت خرمشهر تعیین شود.

در این مرحله از شناسایی‌ها متوجه شدیم که دشمن از سمت راست جاده اهواز - خرمشهر تا رود کارون و منطقه مارد، جهت پدافند خط مقدم خود، ۴ رده میدان مین و موانع ایجاد کرده است. به این صورت که یک دژ، بعد یک میدان مین، دوباره یک دژ و یک میدان مین تا ۴ رده به همین صورت موانع را پشت سر هم تعبیه کرده است. اما در سمت چپ دشمن (غرب جاده آسفالتی) این موانع مختصر بود و چنین گسترده نشده بود. بنابراین، باتوجه به گزارش شناسایی‌ها قرار شد بچه‌های تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و ۸ نجف از سمت چپ مواضع دشمن به سمت نهر عریض هجوم ببرند. هدف این بود که دشمن در این مرحله محاصره شود. مقرر شد عملیات در منطقه‌ای به عرض ۱/۵ کیلومتر و عمق ۳ کیلومتر از سمت نهر عریض انجام شود. با این طرح، ارتباط دشمن با عقبه خود یعنی شلمچه قطع می‌شد و در محاصر قرار می‌گرفت.

ورود رزمندگان اسلام به خرمشهر

بالاخره بچه‌های تیپ امام حسین^(ع) صبح روز سوم خرداد حوالی ساعت ۱۰ از سمت پل نو وارد خرمشهر شدند. البته از سمت گمرک خرمشهر درگیری شدت داشت و دشمن مشغول پاتک سنگین علیه مواضع ما بود. در همین محور یک هلیکوپتر عراقی که قصد امداد رسانی به نیروهای محاصره شده را داشت و فکر نمی‌کرد که رزمندگان ایرانی در شهر باشند، به دست بچه‌های تیپ

پشت خاکریز بلند، سنگ‌رهای ایجاد کنیم.

تیپ امام حسین^(ع)، ۵ روز در پشت جاده اهواز - خرمشهر منتظر ماند تا مرحله دوم عملیات اعلام شود. در واقع در این پنج روز آماده تکمیل الحاق یگان‌ها و پیشروی سراسری همه یگان‌ها بودیم. در این پنج روز برای استحکام خطوط خودی چند وظیفه عمده بر عهده داشتیم: یکی دفع پاتک‌های دشمن بود که هم‌زمان با دفع پاتک، کار شناسایی بچه‌های اطلاعات هم ادامه داشت. چون در مرحله بعدی عملیات نیازمند اشراف اطلاعاتی و شناخت دقیق‌تر مواضع دشمن بودیم. البته کار شناسایی در این مرحله تا حدی آسان‌تر بود؛ چرا که دشمن در این مواضع، میادین مین و موانع پیچیده ایجاد نکرده بود.

مرحله سوم عملیات: ادامه مسیر به سمت دژ مرزی

در این مرحله قرار بر این بود که یک گردان از تیپ امام حسین^(ع)، یک گردان از تیپ ۸ نجف و یک گردان هم از تیپ ۲۵ کربلا، مسافت ۶ کیلومتر تا دژ مرزی را ادامه دهند تا به پاسگاه کوت سواری برسند. به این صورت که یک گردان از سمت راست و یک گردان هم از سمت چپ دژ حرکت کند و گردان سوم دژ را دور بزند و وارد عمق شود. البته هر چند در این مرحله الحاق صورت نگرفت، به سازمان رزم دشمن آسیب جدی وارد شد.

مرحله چهارم؛ حرکت به سوی خرمشهر

ممکن است سؤال شود که چرا در این مرحله به سمت تنومه در محور بصره نرفتیم. با شناسایی‌های گسترده که به عمل آمده بود متوجه شدیم که هوشیاری دشمن از سمت کانال ماهی در مرز بسیار زیاد است و انواع موانع

۲. صلاحیت، شجاعت و تدبیر در صحنه نبرد

امام حسین (ع) موردهدف قرار گرفت و سرنگون شد. این صحنه باعث تضعیف روحیه دشمن و تسلیم نیروهای عراقی شد و همان‌جا بود که مشاهده کردیم دسته‌دسته نیروهای بعثی از سنگرها خارج می‌شوند و خود را تسلیم می‌کنند. و بالاخره خرمشهر آزاد شد.»

در شب اول هم‌زمان با عبور نیروهای پیاده از رودخانه کارون، حاج حسین دستور داد بچه‌های زرهی (شهید عسکری مسئول زرهی تیپ امام حسین (ع)) و از بنیان‌گذاران زرهی سپاه بود، تانک‌های خودی را که از غنایم ارزشمند فتح‌المبین بود، از روی پل‌های ایجادشده عبور دهند و با چراغ روشن و با سرعت زیاد پشت سر نیروهای خودی حرکت کنند و به‌سوی دشمن هجوم ببرند. دشمن که با مشاهده تانک‌ها حساسی ترسیده بود، به‌جای اینکه تیربارها را به‌سمت نیروهای پیاده شلیک کند، به‌سمت تانک‌ها هدف‌گیری می‌کرد. وحشت عجیبی در میان عراقی‌ها ایجاد شد و با مشاهده تانک‌ها فرار کردند. درواقع با این تدبیر فرماندهی در صحنه عملیات که عنایت الهی بود، توانستیم در مرحله اول با ضربه محکم به دشمن، به‌سهولت به‌سمت خط اول دشمن ادامه مسیر بدهیم و درنهایت سرپل را روی جاده آسفالت‌هواز - خرمشهر بگیریم.

سبک مدیریت و منش فرماندهی حسین خرازی در صحنه نبرد

سردار موسوی حین مباحث خود، به‌منظور انتقال تجارب به دانشجویان مطالبی را درباره شخصیت حاج حسین خرازی و ابعاد مدیریتی ایشان در عملیات بیت‌المقدس مطرح کرد که به‌برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. حضور دائم در صحنه و همراهی با نیروها

«حسین خرازی به‌عنوان فرمانده تیپ امام حسین (ع)، بچه‌های

شناسایی را تا کنار رودخانه همراهی می‌کرد و بعد از اینکه بچه‌ها را بدرقه می‌کرد منتظر می‌ماند تا بچه‌ها از مأموریت شناسایی برگردند و اخبار شناسایی را در اختیار او قرار دهند. این نقطه قوت فرماندهی بود که ضمن حضور دائم در صحنه، امور را تا حصول نتیجه پیگیری می‌کرد و درنهایت به کمک همکاران به سرانجام می‌رساند.

۳. تدبیر فرمانده در مرحله دوم عملیات

در این مرحله می‌بایست نیروهای ما فاصله حدود ۱۳ کیلومتری جاده اهواز - خرمشهر به‌سمت مرز (پاسگاه زید) را طی کنند. تدبیر حاج حسین در این مرحله این بود که نیروهای پیاده باید در سه محور به فاصله یک کیلومتری از هم حرکت کنند. درواقع با این روش دشمن نمی‌توانست به‌صورت متمرکز هر سه محور را تهدید کند و به این وسیله توان دشمن در مواجهه با نیروهای خودی بر سه محور تقسیم می‌شد.

سردار ابوشهاب:
در شب اول هم‌زمان با عبور نیروهای پیاده از رودخانه کارون، حاج حسین دستور داد بچه‌های زرهی تانک‌های خودی را با چراغ روشن و با سرعت زیاد پشت سر نیروهای خودی حرکت کنند و به‌سوی دشمن هجوم ببرند. وحشت عجیبی در میان عراقی‌ها ایجاد شد و با مشاهده تانک‌ها فرار کردند.

۴. تدبیر فرمانده در شب سرنوشت

زرهی ارتش می‌رسیدیم و آموزش‌های اولیه مربوط به ادوات و توپخانه و آشنایی با تانک را فرامی‌گرفتیم. در کردستان یک‌سری ادوات که از واحدهای ارتش برای عملیات پاک‌سازی علیه دشمن گرفته بودیم، به کار می‌بردیم و لذا در این حوزه تجربه‌هایی کسب کردیم. بعد از شروع جنگ تحمیلی و تهاجم عراق به خاک کشورمان، همه یگان‌ها عازم منطقه جنوب شدند.

بعد از تشکیل تیپ امام حسین^(ع) در سازماندهی

در مرحله پایانی عملیات، دشمن تلاش زیادی کرد که از سمت شلمچه از محاصره خارج شود، اما در شب سوم خرداد رزمندگان اسلام با تدبیر حاج حسین خرازی و حاج احمد کاظمی، با بانگ تکبیر به مدت چند دقیقه شلیک هوایی فشنگ رسام به سمت مواضع دشمن انجام دادند که باعث شد دشمن یقین کند که دیگر کار تمام است. در واقع این حرکت نشان‌دهنده تثبیت خط رزمندگان اسلام بود. این تدبیر فرماندهی تأثیر بسزایی در روحیه رزمندگان اسلام و بالعکس تأثیر زیادی در تزلزل روحیه دشمن بعثی داشت.

عملکرد توپخانه تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس

در ادامه برنامه بازدید میدانی، کاروان دانشجویان دافوس شرکت‌کننده در دومین دوره انتقال تجارب فرماندهان دفاع مقدس به سمت بیمارستان صحرايي امام حسین^(ع) عزیمت کرد. در این موقعیت، سید حبیب اعتصامی که در دوران جنگ تحمیلی مسئولیت توپخانه لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) را بر عهده داشت، به بیان تجارب خود پرداخت و با اشاره به سابقه تشکیل توپخانه در لشکر امام حسین^(ع) و همچنین نقش آن در عملیات بیت‌المقدس گفت:

«از همان اوائل انقلاب که غائله کردستان اتفاق افتاد، به همراه فرمانده دلاور سپاه اسلام شهید حاج حسین خرازی در منطقه کردستان حاضر شدیم و انجام وظیفه می‌کردیم. در این مقطع در روزهایی که وقت خالی داشتیم، خدمت دوستانمان در لشکر ۲۸

این تیپ از من خواسته شد که به‌عنوان مسئول ادوات و زرهی فعالیت داشته باشم. شروع به کار ما به‌طور رسمی هم در محل استقرار تیپ در منطقه دارخوین بود. در آغاز جنگ، ما امکانات آن‌چنانی نداشتیم. مجموعاً ۴ قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ و ۸۰ میلی‌متری داشتیم. به‌رحال، با پذیرش

اما در شب سوم خرداد رزمندگان با تدبیر حاج حسین خرازی و حاج احمد کاظمی، با بانگ تکبیر به مدت چند دقیقه شلیک هوایی فشنگ رسام به سمت مواضع دشمن انجام دادند که باعث شد دشمن یقین کند که دیگر کار تمام است.

مسئولیت ادوات، متعهد شدیم که از همه ظرفیت‌ها برای بالابردن سطح امکانات ادوات تیپ استفاده کنیم. بحمدالله با عنایت الهی و همکاری دوستان سپاهی که در منطقه بودند، توانستیم در آستانه عملیات فرمانده کل قوا، تعداد ۸ قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ و ۸۰ میلی‌متری برای عملیات در واحد ادوات تیپ امام حسین^(ع) گردآوری کنیم. البته از ظرفیت بچه‌های گروه ۵۵ توپخانه ارتش در اصفهان هم در جهت آموزش اولیه بچه‌های تیپ استفاده کردیم

تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات بیت المقدس

واحد توپخانه یک واحد تخصصی در مجموعه‌های نظامی می‌باشد، لذا برای تشکیل و تجهیز یک گردان توپخانه حداقل ۲ سال زمان لازم است تا نیروها و افسران آموزش دیده بتوانند در این واحد به صورت عملی به کارگیری شوند. با شروع جنگ، افراد داوطلب با اخلاص و تعهد و با همان مختصر آموزش‌های بچه‌های ارتش، توانستند کارهای بزرگی را در طول جنگ انجام دهند. به هر حال غنایم به دست آمده از توپخانه دشمن نیز خیلی به توسعه و گسترش واحد توپخانه و ادوات لشکر امام حسین (ع) کمک کرد.

بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

دکتر یوسف کشفی که در دوران جنگ تحمیلی مسئولیت بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع) را بر عهده داشته است، در ادامه مباحث مربوط به عملکرد و نقش این لشکر در عملیات بیت المقدس و همچنین انتقال تجارب فرماندهان در این عملیات، موضوع مهمی را درباره سبک فرماندهی حاج حسین خرازی مطرح کرد. تربیت نیروهای مبتدی در صحنه نبرد و استفاده به موقع و بجای از ظرفیت نیروهای زبده در شرایط سخت و همچنین زیرکی و هوش بالا، از ویژگی‌های شاخص حاج حسین در عملیات‌ها بود که دکتر کشفی در ابتدای صحبت‌های خود به آن اشاره کرد:

«شهید خرازی در شب عملیات هیچ‌گاه از نیروهای مؤثر و ویژه در خط استفاده نمی‌کرد. عمدتاً نیروهای رتبه دوم را به خط می‌فرستاد و رتبه اولی‌ها را نزد خودش قرار می‌داد تا در بزنگاه‌ها از

که با این وضعیت با کسب آمادگی نسبی توانستیم در عملیات فرمانده کل قوا حاضر شویم. در عملیات ثامن الائمه (ع) و شکست حصر آبادان، نفربرهایی به غنیمت گرفتیم و توانستیم با بازسازی سریع، آنها را در عملیات به کار گیریم.

در عملیات طریق القدس هم تعداد ۷ قبضه خمپاره‌انداز سیار زرهی و حدود ۱۰ قبضه خمپاره‌انداز ثابت ۱۲۰ و ۸۰ میلی‌متری را به غنیمت گرفتیم و در همان جا از آنها علیه مواضع دشمن استفاده کردیم. در همین عملیات، اولین توپخانه غنیمتی را از توپخانه ارتش عراق گرفتیم که شامل یک گردان ۱۳۰ میلی‌متری و یک آتشبار ۱۰۵ میلی‌متری بود. در عملیات فتح‌المبین نیز یک گردان ۱۳۰ میلی‌متری به غنیمت گرفتیم و بلافاصله از این توپخانه علیه مواضع دشمن بعثی استفاده کردیم.

مسئولیت واحد ادوات و توپخانه حساس است و معمولاً بایستی به صورت احتیاط تا چند مدت بعد از هر عملیات در منطقه حضور داشته باشد تا احياناً اگر دشمن قصد پاتک داشت، توپخانه بتواند به موقع علیه مواضع دشمن عمل کند.

در عملیات بیت المقدس، همه توان توپخانه‌ای خودمان را به میدان آوردیم. ۲ گردان توپخانه ۱۳۰ میلی‌متری داشتیم که در کفیشه و دارخوین مستقر شدند. همچنین یک آتشبار به اضافه ۱۰۵ میلی‌متری داشتیم که با برد ۱۱ کیلومتر به عنوان پشتیبانی نیروهای پیاده در عملیات به کارگیری شدند. این آتشبار با رسیدن نیروها به جاده اصلی اهواز - خرمشهر به فرماندهی شهید منہاج در فاصله ۲ کیلومتری مانده به جاده مستقر شد و علیه مواضع دشمن اجرای آتش کرد.



سردار سیداحمد موسوی مسئول اطلاعات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات‌های دفاع مقدس، بیمارستان صحرایی امام حسین^(ع)، اردیبهشت ۱۳۹۵.

آنها استفاده کند. این کار یک روش مدیریتی بود و چند فایده داشت: اولاً نیروهای ضعیف‌تر در بستر عملیات قوی‌تر می‌شدند و از طرفی نیروهای قوی‌تر در شرایط سخت می‌توانستند در دسترس فرماندهی باشند تا از ظرفیت آنها در وقت و جای مناسب در جهت بازکردن گره‌های کور عملیات استفاده کند.

حسین خرازی زیرکی و هوش زیادی در مدیریت و فرماندهی و به‌کارگیری نیروها داشت. البته احمد کاظمی هم این‌گونه بود. هر فرمانده ما در جنگ یک قابلیت و نکته ویژه مخصوص خود را داشت. مثل آقا مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا در دوران جنگ خیلی متهور و شجاع و جسور بود.

درواقع مجموعه این فرماندهان جنگ ما را مدیریت می‌کردند. این فرماندهان که گرد هم جمع می‌شدند تبدیل به لشکر بزرگ اسلام به فرماندهی حضرت روح‌الله می‌شدند و آن همه رشادت و پیروزی و حماسه می‌آفریدند.»

ایشان در ادامه، به چگونگی آمادگی واحد بهداری لشکر امام حسین^(ع) برای عملیات بیت‌المقدس پرداخت و افزود:

«بلافاصله بعد از عملیات فتح‌المبین، همگی برای عملیات بیت‌المقدس بسیج شدیم. فرصت خیلی کمی داشتیم. کمتر از ۳۰ روز وقت داشتیم تا بتوانیم همه ظرفیت و امکانات خود را برای عملیات آماده و مستقر کنیم. حاج حسین خیلی سریع ترتیب یک جلسه کلی را در تیپ امام حسین^(ع) فراهم کرد و طرح کلی عملیات و اهداف آن را برشمرد و از حاضرین پیشنهادهای مرتبط با طرح مانور را خواستار شد. بچه‌ها هم یکی‌یکی نظرات و دغدغه‌هایشان را با فرماندهی مطرح کردند.

واقعاً یک نکته اساسی در جنگ ما این بود که

آقای کشفی ضمن تأکید بر این نکته که شرایط سخت جنگ و کمبود امکانات، یگان‌ها را آبدیده می‌کرد، افزود:

«هر یگان به هر طریقی شده بود و با هر زحمت و سختی می‌بایست خودش را برای عملیات آماده می‌کرد. به هر حال جمع‌وجور کردن امکانات و آماده‌شدن برای عملیات خیلی مقدمات داشت که همین شرایط سخت سبب می‌شد که نیروها در مدیریت مجموعه خود صاحب ابتکار و خلاقیت و سرعت در عمل و رفتار شوند. حاج حسین خرازی نماد مدیریت کامل در فرماندهی و هدایت نیروها در این شرایط سخت جنگی بود. واقعاً ایشان فرمانده قلب‌ها بود.

بعد از فتح‌المبین خیلی سریع راهی منطقه دارخوین شدید و بعد از استقرار نیروها، حاج حسین فرماندهان واحدها را جمع کرد و از روی دکل شناسایی در منطقه کفیشه، منطقه عملیات را برای ما توجیه کرد. حاج حسین گفت که عملیات ما به سمت جاده اهواز - خرمشهر و دژ مرزی می‌باشد.»
آقای کشفی اولین اقدام واحد بهداری لشکر امام

حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس را احداث فوری بیمارستان صحرائی برشمرد و در زمینه چگونگی احداث این بیمارستان گفت:

«واحد بهداری بعد از جلسه توجیهی فرماندهی، بلافاصله اقدام به احداث بیمارستان صحرائی موقت در منطقه دارخوین کرد. امکاناتی که داشتیم همگی را آوردیم در شهرک دارخوین که عقبه بچه‌های امام حسین^(ع) بود و در چادرهایی زیر درختان گز مستقر کردیم. در احداث این بیمارستان صحرائی

نیروها در یگان، گوششان به دهان فرمانده بود و دقت داشتند که فرمانده دقیقاً از آنها چه می‌خواهد و پس از آن در جهت برآوردن انتظارات فرماندهی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند.»

آقای کشفی با اذعان به نقش ارتباطات در موفقیت واحدهای عملیاتی، تأکید کرد که یکی از عوامل توفیق ما در واحد بهداری مسئله توجه به ارتباطات بود. وی در این زمینه گفت:

«با اکثر استان‌ها در ارتباط بودیم و سعی می‌کردیم از امکانات و ظرفیت‌های مراکز درمانی آنها برای تجهیز بهداری لشکر استفاده کنیم. اگر واقعاً این‌جور اقدام نمی‌کردیم و اگر چنین ارتباطاتی نبود، کارها پیش نمی‌رفت و لوازم و تجهیزات برای عملیات فراهم نمی‌شد.

همچنین روش دیگر ما در پشتیبانی از بهداری لشکر، ارتباط‌گیری با شرکت‌ها و مؤسسات مرتبط با دارو و درمان بود. در این راستا، از مدیریت این شرکت‌ها دعوت می‌کردیم تا با حضور در خط مقدم جبهه، از نزدیک اقدامات ما را ببینند. همین حضور مدیران در منطقه سبب می‌شد که کمک‌های زیادی جذب بهداری شود و الحمدلله این‌جوری می‌توانستیم خیلی از کمبودها را جبران کنیم.»

دکتر کشفی:

شهید خرازی در شب عملیات هیچ‌گاه از نیروهای مؤثر و ویژه در خط استفاده نمی‌کرد. عمدتاً نیروهای رتبه دوم را به خط می‌فرستاد و رتبه اولی‌ها را نزد خودش قرار می‌داد تا در بزنگاه‌ها از آنها استفاده کند.



دومین دوره انتقال تجارب دفاع مقدس، خوزستان، بیمارستان صحرایی امام حسین^(ع)، اردیبهشت ۱۳۹۵.

کردیم. در مرحله سوم عملیات که به سمت دژ مرزی حمله کردیم، ما هم همین اورژانس مادر را در منطقه‌ای نزدیک دژ مرزی مستقر کردیم.

در مرحله چهارم که فلش حمله به سمت خرمشهر تعیین شد، دوباره برگشتیم در کنار جاده آسفالته و یک بیمارستان وسیع با پد هلیکوپتر احداث کردیم. احداث این بیمارستان در این مرحله واقعاً کارگشا و لازم بود؛ هم برای رزمندگان یگان‌های خودی و هم اسیران زخمی عراقی که نیاز به مداوای فوری داشتند. تعداد زخمی‌های دشمن خیلی زیاد بود و الحمدلله با پیش‌بینی‌های لازم و به‌کارگیری امکانات گسترده در این بیمارستان نسبتاً بزرگ توانستیم جوابگوی نیازهای درمانی در عملیات بیت‌المقدس باشیم. بعد از آزادی خرمشهر هم که وارد شهر شدیم توانستیم با انتقال امکانات بیمارستانی خود، خدمات درمانی را در این شهر ادامه بدهیم.»

از بچه‌های جهاد نجف‌آباد کمک گرفتیم و از حدود ۱۲۰ متر مربع فضایی که ایجاد کرده بودیم توانستیم ۳ تا اتاق عمل و همچنین اتاق اورژانس تعبیه کنیم.

وی در پایان با اشاره به مجموعه اقدامات واحد بهداری لشکر در مراحل مختلف عملیات بیت‌المقدس گفت:

«در مرحله دوم عملیات، بچه‌های بهداری باتوجه‌به پیشروی رزمندگان اسلام، در پشت جاده اهواز - خرمشهر مستقر شدند. با کمک بچه‌های جهاد یک اورژانس مختصر برپا کردیم. البته دستور شهید خرازی این بود که در احداث این بیمارستان طوری عمل کنیم که بتوانیم یگان‌های مجاور را هم پوشش بدهیم. در این مرحله عملیات واقعاً با همه توان و ظرفیت حاضر شدیم و خدمات درمانی گسترده‌ای به مجروحان و زخمی‌های عملیات ارائه

